

گفت‌وگوی «فرهیختگان» با حبیب‌الله بابایی درباره پروژه قرآن و تمدن (بخش نخست)

فهم تمدنی قرآن متعهد به حل مسائل اجتماعی است



عباس بنشاسته

خبرنگار گروه اندیشه

دفتر تبلیغات اسلامی چند روز پیش از برگزاری آخرین جلسه مباحثاتی «خوانش تمدنی از قرآن» در پژوهشکده مطالعات تمدنی و اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی خبر داد که به این ترتیب سیر «ترتیبی- تمدنی» کل قرآن به‌منابه اولین فاز از پروژه «فهم تمدنی قرآن» پس از پنج‌سال گفت‌وگو (بیش از ۱۲۰ جلسه) به پایان رسید.

این کارگروه که متشکل از استادان قرآنی با رویکرد تمدنی نظیر سعید بهمنی، احمد آکوچکیان، امیرمنصور برقعی و استادان تمدنی با رویکرد قرآنی مانند محمدعلی میرزایی، محسن الویری، محمدرضا بهمنی و حبیب‌الله بابایی بود از سال ۱۳۹۶ گونه‌های مختلفی همچون آیه‌محوری، مفهوم محوری در رکوعات و سیاقات قرآنی، موضوع محوری و سوره‌محوری را در «فهم تمدن در قرآن» و «فهم تمدنی از قرآن» به بحث و گفت‌وگو گذاشت و در این فرآیند «موضوعات و پرسش‌های نوی تمدنی»، «ایده‌ها و گمانه‌های اجتماعی و تمدنی در قرآن» و «روش‌شناسی فهم تمدنی از قرآن» شناسایی و تحلیل شده است. حاصل این گفت‌وگوها در قالب چهارجلد درحال تدوین و آماده‌سازی است.

به‌طور هم‌زمان هریک از استادان حاضر در این کارگروه به تالیف یک مقاله در یکی از موضوعات اجتماعی و تمدنی در قرآن پرداخته‌اند که برخی از آنها در مجلات علمی- پژوهشی منتشر شده‌اند. مجموعه این مقالات هم در اولین فرصت به‌صورت یک کتاب مستقل (جلد پنجم) منتشر خواهد شد. علاوه‌بر این در این پنج‌سال، در ماه‌های مبارک رمضان نیز نشست‌ها و هم‌اندیشی‌هایی در باب «روش‌شناسی فهم تمدنی قرآن» با حضور محمدعلی مهدوی‌راد، محمد تقی سبحانی، احمد مبلغی، عبدالکریم بهجت‌پور، احمد پاکتچی و علیرضا قائمی‌نیا برگزار شده که حاصل آن تدوین شده و به‌زودی به‌عنوان اولین دفتر در فهم تمدنی قرآن که جلد ششم این مجموعه خواهد بود، در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی منتشر خواهد شد.

درباره فعالیت صورت گرفته و بحث فهم تمدنی از قرآن با حبیب‌الله بابایی، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه متن آن را از نظر می‌گذارانید.

۱۱۱

ابتدا در رابطه با پروژه قرآن و تمدن و روند اجرایی کار توضیح دهید و این که چه چیزی شما را مناجاب کرد به این پروژه بپردازید و دورنمای این بحث چیست؟

درباره این که انگیزه شروع پروژه قرآن و تمدن از ۵ سال قبل چه بوده و چرا این کار انجام شده است، باید بگویم این تلقی از ناحیه تمدن‌پژوهان وجود داشت که ما در تفکر تمدنی و در حرکت تمدنی چاره‌ای نداریم جز اینکه به اصالت‌هایمان تکیه کنیم و نسبت به اصالت در اندیشه و اصالت در رفتار و حرکت دغدغه‌مند باشیم. لذا انگیزه‌ای که از ناحیه تمدن‌پژوهان برای ورود به قرآن و شروع چنین مباحثاتی وجود داشته، این بود که ما هم در مقام نظر و هم در مقام عمل باید بتوانیم ریشه‌ها و اصالت خود را درست کنیم. این دغدغه برای این بود که من مسلمان یا من محقق در حوزه علوم اسلامی و حوزه علمیه که در بحث تمدن کار می‌کنم، خود را از ادبیات مربوط به تمدن که آغشته و آلوده به مفاهیم مدرن و گاه مفاهیم سکولار است، پیرایش کنم و خود را از مبانی و حواشی التقاطی خالی بکنم. ازاین‌رو من باید به منابع بومی خود و مهم‌تر از همه در هویت اسلامی به کتاب قرآن به‌عنوان یکی از مصادر اصلی تمدن اسلامی مراجعه کنم. این انگیزه‌ای از ناحیه تمدن‌پژوهان بود و ورود به قرآن و خوانش مکرر قرآن را ضروری می‌ساخت و افراد وجدانا به چنین ضرورتی رسیده‌اند.

ضرورت دیگری از ناحیه قرآن‌پژوهان بود. جمعی که ما چندین سال پیش در این پروژه گرد آمدیم، جمعی از استادان محترم بودند که برخی تمدنی‌های قرآنی هستند و برخی قرآنی‌های تمدنی هستند و من ضرورت اول را نسبت به استادان تمدنی که دغدغه قرآنی دارند، مطرح کردم. ولی بخشی از استادان قرآنی هم هستند که دغدغه تمدنی دارند. دغدغه تمدنی آنها از این جهت بود که احساس برخی پژوهشگران قرآنی این است که اساسا قرآن تا زمانی که امتداد اجتماعی پیدا نکند و تا زمانی که قرآن در مقیاس یک امت و مقیاس یک جهان و مقیاس یک تمدن فعال نباشد، عملا به ایده‌آل خود نزدیک نشده است و من در این مورد توضیح خواهم داد که چرا چنین ذهنیتی در پس ذهن یک قرآن‌پژوه شکل می‌گیرد. تلقی این است که اگر بخواهیم به قرآن وفادار باشیم چه در مقام فهم و چه در مقام عملیات، نمی‌توانیم قرآن را در

مقیاس جهانی فهم و عمل نکنیم. هر مقدار خردتر و جزئی‌تر به قرآن نگاه می‌کنیم از دامنه و مأموریت الهی قرآن دورتر می‌شویم. این ضرورت دیگری است که در ناحیه قرآن‌پژوهان تمدنی نسبت به حوزه قرآن و تمدن شکل گرفته بود.

نکته‌ای که از همین جا اهمیت پیدا می‌کند این است که دغدغه دوستان و کسانی که ما در خدمت آنها بودیم این بود که فارغ از اندیشه‌ها و بحث‌ها و تفاسیر و نظریات و مطالعات قرآنی شکل گرفته در ایران و خارج از ایران و جهان عرب و شبه‌قاره و شرق آسیا و جاهای دیگر، خود یک دور قرآن را مطالعه و مباحثه مرور می‌کنیم و براساس اندوخته‌هایی که هرکدام از استادان دارند، ببینیم که چه چیزی را می‌توان از قرآن استخراج و استنباط کرد، در آنجا که می‌خواهیم تدبیر قرآنی داشته باشیم. ما اسم تفسیر نمی‌آوریم چون به نظرم با تفسیر فاصله داریم و این تواضع نیست بلکه واقعیتی است که ما در پنج سال گذشته سعی کرده‌ایم فهمی تمدنی برای خود حاصل کنیم و به یک معنا تحصیل کنیم. ما گفته‌ایم که قرآن را وسط می‌گذاریم بی‌آنکه بخواهیم در برنامه مباحثه خود تفسیر بیاوریم و مطالعات قرآنی را وارد کنیم. ما یک دور قرآن را مطالعه مرور می‌کنیم تا به آیه‌های خاص تمدنی مفاهیم و معانی تمدنی خاص و موضوعات خاص تمدنی و متدها و روش‌ها و منطق‌ها و شیوه‌ها و گاه مبانی‌ای که ما را به فهم تمدنی از قرآن نزدیک‌تر می‌کند، برسیم و آنها را اولا استخراج کنیم و ثانیاً با هم گفت‌وگو کنیم و ببینیم در کجاها ابهام داریم و در کجاها دچار سوءبرداشت هستیم و در کجاها نیاز داریم دقیق‌تر فکر کنیم و در کجاها باید بر مبانی خود اصرار کنیم و بیشتر بایستیم. این کاری است که ما در گام اول انجام دادیم. لذا نقطه عزیمت ما قرآن بود و حتی در اینجا به‌ندرت در احادیث ورود کردیم. شاید برخی اعضای حلقه ما در گروه‌ها و کارگروه‌های سنت و روایات و روایات و تمدن هم باشند؛ اما در اینجا نقطه عزیمت ما و شروع ما از قرآن بود.

در این پنج سال کاری که انجام گرفت درحقیقت سه کار بود. یکی اینکه ما در این ۱۲۰ جلسه سیری ترتیبی از اول سوره حمد تا آخر جزء سی‌ام مباحثه‌ای ترتیبی از کل قرآن داشتیم و با هم گفت‌وگوهای زیادی داشتیم و به تعداد افراد حاضر در جلسه، نظراتی مختلف داشتیم ولی این نظرات مختلف به‌دلیل هم‌زیستی اخلاقی که در جلسات وجود داشت و به‌دلیل احترامی که به هم در پرتو حرمت و تقدس قرآنی وجود داشت، عملا این اختلاف‌نظرها موجب جدایی و گسیختگی این گروه نشد و به سرانجام رسید. کار دومی که حدود این پنج سال انجام دادیم این بود که در ماه‌های مبارک رمضان نشست‌های قرآنی و تمدنی داشتیم که نظم آنها کمی از نظم رایج در جلسه ترتیبی ما متفاوت بود و نشست‌های آن تدوین و آماده شده و در نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در آستانه انتشار است و امیدواریم تا اواخر خردادماه منتشر شود. کار دیگری نیز انجام شده است که یک‌سری تحقیقات مختلف را هرکدام از دوستان به‌صورت موضوعی داشتند و در جاهایی و در مجلات مختلف آن را به چاپ رساندند. مثلاً یکی از استادان تنها درمورد تعبیر «و اذ» در قرآن، خوانشی تمدنی داشته و آن را منتشر کرده است. یا اینکه من درمورد نظم اجتماعی و تمدنی مطرح کردم که باید

از مفهوم «قَدْر» در قرآن شروع کرد. من این مطلب را در یکی از مجلات منتشر کرده بودم و این را در کتاب تنوع و تمدن آوردم و آنجا گنجاندم. به‌تازگی مقاله «خیر کبیر» که با همکاری سرکار خانم مرادی برای مجله مطالعات بنیادین تمدن اسلامی نوشته شد بر آیه: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ خَبَةٍ أَثْبَتَتْ سَيْعَ سَنَائِلٍ فِي كُلِّ سَثْلَةٍ مَائَةٍ خَبَةٍ وَاللَّهُ يَضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» تمرکز داشتیم. این که چگونه یک خیر خرد تبدیل به خیری کبیر و کلان می‌شود، بحث کردیم. همچنین مقالات متعددی که با نقطه‌زنی‌های موضوعی ولی با رویکرد تمدنی انجام دادیم، پروژه ما را کمی فربه‌تر کرده است. در ماه مبارک رمضان نیز در پنجشنبه‌ها بر حوزه منطق و روش فهم تمدنی قرآن تمرکز کرده‌ایم و قرار بر این است که دوستان هر جلسه یک ارائه داشته باشند و آن را به بحث و گفت‌وگو بگذارند تا ما بحث‌های روشی را در طول ۱۲۰ جلسه گذشته و جلسات ماه مبارک رمضان تدوین کنیم و به‌صورت اثری مستقل ارائه کنیم.

برای ادامه بحث لازم است درمورد فهم تمدن در قرآن»، از تمدن یک مفهوم‌شناسی داشته باشیم. آیا از آموزه‌های اسلامی، ضرورت تمدن‌سازی استفاده می‌شود؟ آیا در اسلام به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در این مورد دلالت‌هایی وجود دارد؟ آیا می‌توان دلالت‌هایی در نصوص دینی درمورد تمدن پیدا کنیم؟

این بحث بسیار مهم است. من درباره تبارشناسی لفظ تمدن در دنیای غرب و ضرورت احتیاط ما-که باید در استفاده از واژه تمدن محتاط باشیم- مقاله میسوطی نوشته‌ام. در این مورد که در قرآن نیز اساساً کدام واژه‌ها می‌تواند بیانگر فحوای تمدن باشد در کتاب «تنوع و تمدن» کمابیش به آن پرداخته‌ایم و دیگران نیز مقالات مختلفی را نوشته‌اند. نکته‌ای که در این راستا باید به آن اشاره کنم این است که



به نظر من جست‌وجو کردن از واژه تمدن در قرآن احتمالاً خطا باشد، ما باید ببینیم آیا معنای تمدن نه لفظ تمدن، در قرآن وجود دارد یا نه؟! اگر معنای تمدن را در نظام‌وارگی و از پدیده‌های کلان اجتماعی یا از نظمی در مقیاس جهانی دنبال کنیم و اگر مراد از تمدن برای شما مجموعه‌ای سیستماتیک در سطح کلان انسانی و برای انسان بماهو انسان است، اگر منظور از تمدن یک نظم معرفتی است که بتواند تغییر و تحول اجتماعی را رقم بزند، این معانی و این مولفه‌هایی که سازهای مفهومی یا سازهای ماهوی تمدن است در مراجعه به قرآن با ادبیات و واژه‌های مختلف و با گزاره‌های مختلفی دیده می‌شود. برخی بحث «تمکن» را مطرح کرده‌اند، کسانی بحث «بلد»، «قریه» و «مدینه» را مطرح می‌کنند و کسانی معنای عمران را در قرآن مطرح می‌کنند و دیگری بر مفهوم «مُلک» و «امت» در قرآن تاکید می‌کند. تصور من این است که امت، تمدن را دارد و چیزی افزون‌تر و بیشتر دارد. ما نیاز داریم به‌سمت طراحی و ترسیم مفهومی «امت» حرکت کنیم. لذا در اصل ۱۱ قانون اساسی و در مشروح مذاکراتی که در مجلس قانون اساسی اتفاق می‌افتد، بحث لفظ تمدن نداشته‌اند و بحث‌ها حول لفظ «امت اسلام» شکل گرفته است. بحث‌هایی بین آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله خزعلی و آیت‌الله بهشتی و دیگران شکل می‌گیرد براساس اینکه برای اصل ۱۱ قانون اساسی کدام آیه را باید نقطه عزیمت قرار بدهیم؟! پس اول نباید به‌دنبال این باشیم که لفظ تمدن کجاست بلکه باید به‌دنبال این باشیم که قرآن یک‌سری معانی را در اختیار ما می‌گذارد، حال آیا با قرار گرفتن این معانی در کنار هم و تبدیل کردن آن به یک نظم معرفتی و اجتماعی آیا سر از چیزی درمی‌آورد که امروزه به آن یا به مشابه آن تمدن می‌گویند؟

نکته دوم که باید آن را درنظر گرفت این است که یک‌بار تمدن را با رویکردی الهیاتی تعریف می‌کنیم، این که چطور بحث قرآن با تمدن گره می‌خورد و یک‌بار با رویکردی فلسفی تمدن را بحث می‌کنید و یک‌بار با رویکرد اجتماعی به بحث تمدن می‌پردازید. به نظر من در هر سه معنا، با قرآن ارتباط برقرار می‌کنید. در رویکرد الهیاتی، تمدن عمل جامع به دین جامع است. دینی که جامعیت دارد و همه ابعاد انسان فردی و اجتماعی و سیاسی و... را شامل می‌شود و این بسته جامع وقتی تحقق جامع پیدا می‌کند با نام تمدن شناخته می‌شود. حال شاید شما نام آن را تمدن نگذارید و اسم دیگری برایش انتخاب کنید ولی امروز دعوا روی واژه نیست. این بسته جامع فراگیر و فراملی است و در سطح بین‌الملل و جهان شدنی است و به تازگی خاصی تعلق ندارد و مال گذشته و حال و آینده است، لذا می‌توان به آن تمدن گفت. در این صورت فهم جامع قرآن و عمل جامع به این نسخه جامع قرآن را تمدن نام می‌نهد. دوم در نگاهی اجتماعی تمدن حاصل پاسخ‌های متراکم به نیازهای انباشته است. در نگاه اجتماعی در دنیای امروز مساله‌های بزرگی مثل مهاجرت یا جمعیت یا فقر و خشونت و ارتباطات و محیط‌زیست و سلامت و... وجود دارد. مساله‌های مختلفی را می‌بینید که تنها مساله ایران نیستند و مساله منطقه و جهان اسلام و کل جهان است و اگر به این نیازهای بشر امروز و انسان معاصر پاسخ‌های متراکمی پیشنهاد بدهید و آن را عملیاتی کنید به آستانه‌های تمدن نزدیک‌تر